









بعد از جستجوی فراوان .

اوه نه ، اینجا نیست .



حالا که نمی تونیم رد پای هیولارو دنبال کنیم . دنبال من بیایید .



جی می گی ؟ منم



یا از اون طرف .

آه .



شاید اینجا باشه .



اینجا نیست .



عجیب . اسکار اون چیه بدهنت ؟



مدتی که چیزی نخورده ام .



ما خیلی حسنه شدیم .

من گرسنه ام .

بالاخره آمدی داشتیم نگران میشدم .



من هم همینو می خواستم بگم .

چراغهای شهر .

بله رئیس !



سه سه سه



بسیار خوب فردا میریم اون خونخورو می بینیم .

آه . . . نه . من باید تا قلعه کوه بالا برم .



منظورش چیه ! نمیدونم اسکار

کاش متوجه بشه . . .



آه . بالاخره یکی هم بمن توجه کرد .









آقایان، خانم‌ها بریم .



کابل پاره شد! باید خیلی مراقب باشیم .



آه اصنادیم .



ترق



رئیس باور نکردنیه ...

وای داره بطرقمون می‌آد ...



من ۰۰۰ من دیگه گرسنه نیستم!

آآه بوفی! داریم نابود میشیم!



در ایستگاه

خیلی عجیبه! چرا اینقدر تیره شده ...



اوه! آآه - خدا حافظ بوفی! ...



بله، باز هم حق با توست، رئیس

وای نابود شدیم ... خدا حافظ دوست عزیز







بوفی ، بوفی! کجا هستی؟



تق



خرابکاری! بازم دست هیولا در کاره...



میشنوی؟

مثل اینکه سیم پاره شد...



اینجام!



نجات... کمک!...



تردید نداری... مطمئن هستی؟

هاملت گفت: "مسئله در این است"



بیائید کمک کنید تا بوفی رو درآریم...



آههه!

جوم



میان تخته‌ها

حالت خوبه؟



اینجا

کجا هستی؟





آی



آه، حالا نشونت  
میدم...



مثل اینکه خیلی به هیولا  
علاقتمندی!



آی



هه هه هه



تو حق نداری ما رو اینجا نگهداری!

کاملاً "غیر قانونیه"!



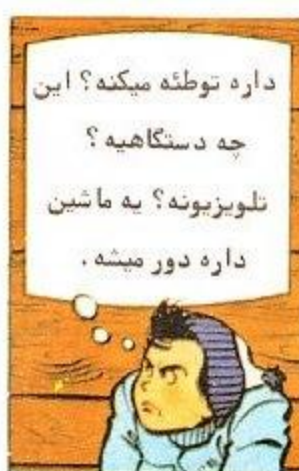
بچه‌های فضول و شیطون حالا  
حسابتون رو میرسم!



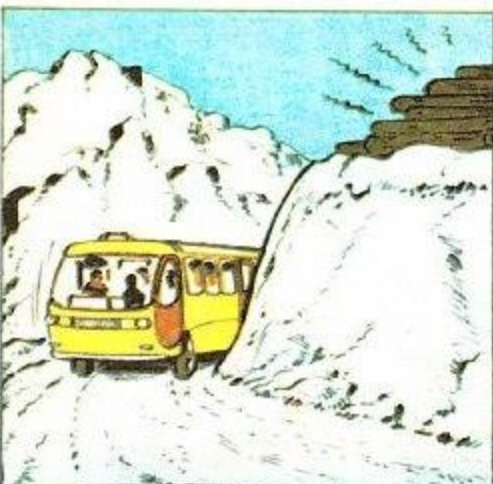
باید برگردیم!

در همین  
لحظه...

آه، نه! باید تا بالای کوه بریم و از اونجا  
با اسکی پائین بیایم...



داره توطئه میکنه؟ این  
چه دستگامیه؟  
تلویزیونه؟ یه ماشین  
داره دور میشه.



بریم!



لعنتی چکار میکنی؟

ساکت بچه شیطون!

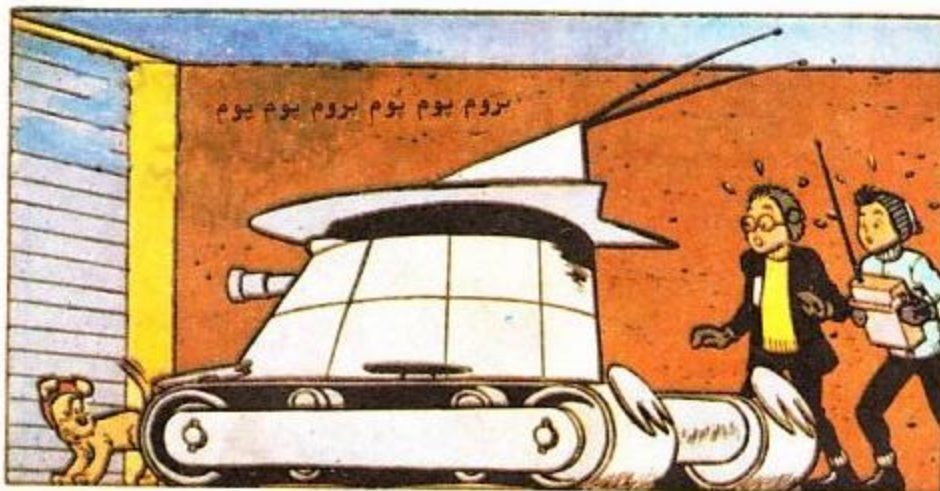


آه یه ماشین!













آخ



بیا بریم نگاهی به شیب بکنیم.



اوه! من نمیدونستم!

چون از جاده یالتر بودن افتادن...



بدشانسی آوردیم... اونجا خودتون رو آزاد کردن!



باید بدبانش کنم...



در همین لحظه در نزدیکی آنجا...

اتومبیل اون بچه‌های شیطان کنار کارخانه‌س ممکنه کسی اونو ببینه.



دارم دیونه میشم!

اوه چه رئیس برقدرتی!



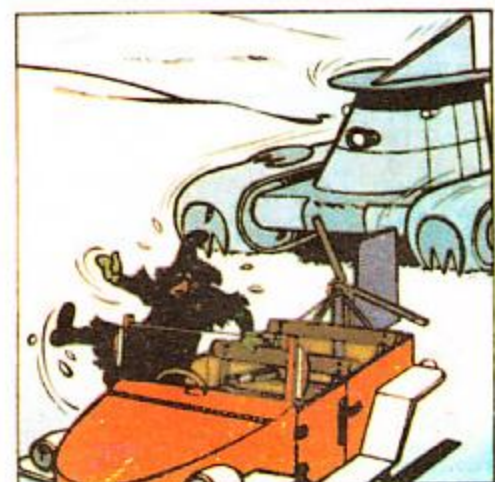
عجب!؟ داره بمن حمله میکنه؟



کمی صبر کن دوست عزیز حالا منو لای تخته‌ها میذاری!



اوه هیولا داره اینطرف میآد!



آه! نجات!



باز هم بدشانسی آوردیم!



حالا تا میتونی سریع بدو!